

**Original Paper** **Analysis of critical allegories in the story of "Ganeh Ganehai Zard" with political issues and social effects in order to enlighten the audience**

Maryam Alizadeh<sup>1</sup>, Kamran Pashaei Fakhri<sup>2\*</sup>, Parvaneh Adelzade<sup>3</sup>

**Abstract**

Critical fiction is one of the most obvious fields in which social issues and problems are well represented. In some social periods, writers could not easily express their opinions due to the political suffocation of the society, they used indirect methods of expression such as critical allegories to express their opinions, thoughts and criticisms. Since the examination of critical parables is necessary to show thoughts and criticisms of the political, social and historical situation of the society in order to enlighten the audience, the purpose of the research is to examine the actions and critical allegorical behaviors in the story of "**Ganeh Ganehai Zard**" with a political approach and social influences in order to enlighten the audience. In this article, we intend to mention some examples based on political, historical and social allegory from the text of the story and examine the social harm caused by it and answer the question that; What is the effect of critical allegorical actions and behaviors with a political, social and historical approach in the story of "**Ganeh Ganehai Zard**" in the direction of enlightening the audience? The data collection method of this research was done in a library manner and has a descriptive-analytical approach. The results of the research show that the author has portrayed the political and social effects of dictatorial, dictatorial and colonial actions and behaviors and the resulting social harms to enlighten the audience with critical parables.

**Keywords:** allegory and types of allegory, critical fiction literature, Yar Ali Pourmoghadam, Ganeh Ganehai Zard, social politics



1. PhD student in Persian language and literature, Islamic Azad University, Tabriz branch

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tabir Branch

3. Associate professor of Persian language and literature, Islamic Azad University, Tabriz branch

**Please cite this article as (APA):**

Alizadeh, Maryam, Pashaei Fakhri, Kamran, Adelzade, Parvaneh. (2023). Analysis of critical allegories in the story of "Ganeh Ganehai Zard" with political issues and social effects in order to enlighten the audience. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 15(57), 85-101.

 Creative Commons: CC BY-SA 4.0		
<b>Publisher:</b> Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 57/ Autumn 2023		
<b>Receive Date:</b> 08-06-2023 <b>Accept Date:</b> 27-08-2023 <b>First Publish Date:</b> 30-10-2023		

**مقاله پژوهشی** تحلیل تمثیل‌های انتقادی در داستان گنه‌گنه‌های زرد با

**رویکرد سیاسی و تأثیرات اجتماعی در جهت روشنگری مخاطب**

مریم علیزاده<sup>۱</sup>، کامران پاشایی فخری<sup>۲</sup>، پروانه عادل زاده<sup>۳</sup>

چکیده



ادبیات داستانی انتقادی یکی از بارزترین عرصه‌هایی است که مسائل و معضلات اجتماعی در آن به‌خوبی بازنمایی شده است. در برخی دوره‌های اجتماعی، نویسندگان به دلیل خفقان سیاسی جامعه نمی‌توانستند به راحتی عقاید خود را بیان نمایند، از شگردهای بیانی غیرمستقیم مانند تمثیل‌های انتقادی برای بیان آرا و اندیشه‌ها و انتقادات خود بهره می‌گرفتند. از آن‌جا که بررسی تمثیل‌های انتقادی برای نشان دادن اندیشه‌ها و انتقادات از اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی جامعه در جهت روشنگری مخاطب ضرورت دارد هدف پژوهش بررسی کنش‌ها و رفتارهای تمثیلی انتقادی در داستان گنه‌گنه‌های زرد با رویکرد سیاسی و تأثیرات اجتماعی در جهت روشنگری مخاطب می‌باشد. ما در این مقاله برآنیم از متن داستان نمونه‌هایی که بر پایه تمثیل سیاسی، تاریخی و اجتماعی وجود دارد ذکر کنیم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن را بررسی کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که: تأثیر کنش‌ها و رفتارهای تمثیلی انتقادی با رویکرد سیاسی، اجتماعی و تاریخی در داستان گنه‌گنه‌های زرد در جهت روشنگری مخاطب به چه اندازه است؟ روش گردآوری اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و رویکرد توصیفی - تحلیلی دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نویسنده با تمثیل‌های انتقادی با رویکرد سیاسی و تأثیرات اجتماعی کنش‌ها و رفتارهای استبدادی، دیکتاتوری و استعمار و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن را برای روشنگری مخاطب به تصویر کشیده است.

**کلید واژها:** تمثیل و انواع تمثیل، ادبیات داستانی انتقادی، یارعلی پورمقدم، گنه‌گنه‌های زرد، سیاسی اجتماعی

۱. دانشجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

لطفاً به این مقاله استناد کنید:

علیزاده، مریم، پاشایی فخری، کامران، عادل زاده، پروانه. (۱۴۰۲). تحلیل تمثیل‌های انتقادی در داستان گنه‌گنه‌های زرد با رویکرد سیاسی و تأثیرات اجتماعی در جهت روشنگری مخاطب. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. (۵۷)، ۸۵-۱۰۱.

 حق مؤلف © نویسندگان.		
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و هفتم / پاییز ۱۴۰۲ / از صفحه ۸۵-۱۰۱.		
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

**مقدمه**

داستان کوتاه معاصر فارسی یکی از غنی‌ترین گونه‌های ادبیات است که به لحاظ محتوا و ساخت و صورت بسیار متنوع است. این گونه‌ی ادبی یکی از مهم‌ترین محمل‌ها جهت بازنمایی درون‌مایه‌های مقتضای زمان بوده که از طریق آن زندگی مردم گرفته تا نقد و انتقادهای سیاسی و تلخی‌های زندگی، فقر مادی و فرهنگی و آشوب‌های روانی نقل و روایت شده است داستان کوتاه معاصر از لحاظ شکل و ساختار و جهت‌گیری روایی تحت تأثیر ادبیات معاصر بوده، ولی از تمهیدات و شگردهای کهن هم در آن استفاده شده است با این تفاوت که در این گونه ادبی از نظر نوع و کاربرد تمثیل به لحاظ محتوا و ساخت تفاوت‌هایی با تمثیل‌های کهن وجود دارد. زیرا وجه تمایز غالب‌های معنایی داستان‌های کوتاه تمثیلی ایران، مفاهیم این جهانی، اوضاع سیاسی و اجتماعی و اخلاقی با نگاهی تلخ و گزنده است و در لایه‌های زیرین این‌گونه داستان‌ها، نقد و انتقاد تند و گاهی ملایم و در بعضی مواقع روشن‌گرانه که بر پند و نصیحت غلبه تام دارد، وجود دارد. زیرا اهمیت نقد در جامعه به حدی است که با فراهم ساختن زمینه‌های نقد به‌نوعی به مطالبه‌گری اجتماعی می‌انجامد و زمانی که نقد صریح کارساز نیست از زبان تمثیل استفاده می‌شود دقیقاً به این دلیل است که اغلب نویسندگان داستان‌های کوتاه تمثیلی از تمثیل‌های انتقادی به عنوان یکی از روش‌های بیان غیرمستقیم اندیشه‌ها و عقاید استفاده می‌کنند و عناصر داستان (شخصیت‌ها، حوادث و صحنه‌های داستان) را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که بتواند منظور اصلی خود را عمیق‌تر از روایت ظاهری داستان به خواننده خود منتقل نماید و از آن‌جایی که یکی از رسالت‌های داستان کوتاه تمثیلی معاصر ارائه تصور وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه در جهت روشن‌گری مخاطب است ضرورت دارد کنش‌ها و رفتارهای تمثیل‌های انتقادی در داستان «گنه‌گنه‌های زرد» با رویکرد سیاسی، انتقادی و تأثیرات اجتماعی در جهت روشن‌گری مخاطب مورد بررسی قرار گیرد زیرا با بررسی داستان «گنه‌گنه‌های زرد» اثر یارعلی پورمقدم از روابط، مناسبات، تأثیرات اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها در جامعه ایران آن دوره بیشتر آشنا می‌شویم.

**۱-۲ بیان مسئله**

تمثیل یکی از مهم‌ترین نوع ادبی است که جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی به خود اختصاص داده است. تمثیل را در ادب فارسی از لحاظ صوری و محتوا می‌توان تقسیم‌بندی کرد. از لحاظ صوری شامل تمثیل مثل، اسلوب معادله، حکایت حیوانی (فابل) و حکایت انسانی (پارابل) می‌باشد و از لحاظ محتوایی می‌توان به تمثیل اخلاقی، سیاسی تاریخی، اندیشه، رمزی و رؤیا اشاره کرد. از آن‌جا که در

نظام اجتماعی آن‌چه باعث کمال می‌شود بررسی نقاط ضعف و قوت آن است و در طول تاریخ هر جا به منتقدان اجازه نقد آزادانه داده نشده است نویسندگان برای گریز از تبعات احتمالی تمثیل را به داستان‌های انتقادی خود اضافه می‌کردند و از شگردهای بیانی غیرمستقیم برای تصویرسازی وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه و بیان آرا و اندیشه‌ها و انتقادات خود بهره می‌گرفتند.

### ۱-۳ سؤالات تحقیق:

در این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهیم:

- ۱- انواع تمثیل از لحاظ صوری و محتوا کدام است؟
- ۲- آیا از تمثیل سیاسی، اجتماعی و تاریخی برای روشنگری مخاطب استفاده می‌شود؟
- ۳- تمثیل سیاسی، انتقادی و میزان تأثیرات اجتماعی آن در داستان گنه‌گنه‌های زرد برای روشنگری مخاطب به چه اندازه است؟

### ۱-۴ اهمیت و ضرورت تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی میزان تأثیرکنش‌ها و رفتارهای تمثیلی در داستان «گنه‌گنه‌های زرد» با رویکرد انتقادی و سیاسی در جهت روشنگری مخاطب می‌باشد. با بررسی این داستان مشخص شد. که نویسنده با استفاده از هنر خود و آرایه تمثیل با رویکرد انتقادی سیاسی، تاریخی و اجتماعی توانسته است میزان آسیب‌های اجتماعی ناشی از استبداد، دیکتاتوری و استعمار را با هدف روشنگری مخاطب به‌خوبی نشان دهد.

### ۱-۵ روش گردآوری و شیوه تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش بر پایه منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است و مورد مطالعه؛ داستان «گنه‌گنه‌های» زرد می‌باشد. در این پژوهش ملاک کار، بررسی کنش‌ها و رفتارهای تمثیلی در داستان و به‌طور خاص تمثیل‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی با رویکرد سیاسی و تأثیرات اجتماعی در جهت روشنگری مخاطب است. زیرا بر اساس تعاریف و مفاهیم تمثیل و یکی از انواع تمثیل از لحاظ محتوایی، تمثیل سیاسی و تاریخی است در این‌جا با مثال‌های از متن داستان ارائه و نقد و بررسی شده است.

## ۱-۶ پیشینه تحقیق

در مورد تعریف تمثیل، ویژگی‌ها، کارکرد، ساختار و درون‌مایه تمثیل در ادب فارسی پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است اما در خصوص داستان‌های تمثیلی کوتاه معاصر مطالبی اندکی و پراکنده موجود است. در ذیل پژوهش‌هایی که به‌طور مختصر به مقوله تعاریف داستان کوتاه تمثیلی پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

مقاله «تمثیل (ماهیت، اقسام، کارکرد)»، محمود فتوحی، مجله علمی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۲ و ۱۳، شماره ۴۷ - ۴۹، زمستان ۱۳۸۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴، به بررسی پیشینه‌ی مقوله ادبی در ادبیات دینی و اسطوره‌ها و تعاریف بلاغیون در بلاغت و نقد ادبی و ماهیت، کارکرد و اقسام تمثیل بیان نموده است و قلمرو تمثیل را به وسیله بیان تفاوت‌هایش با استعاره و نماد مشخص نموده است و نتیجه پژوهش این است که اصطلاح تمثیل را فقط برای تمثیل داستانی یعنی حکایت یا قصه‌ای که معنای ثانوی آن اهمیت بیشتری دارد به کار ببریم.

مقاله «تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن»، قهرمان شیری، فصل‌نامه علمی و پژوهشی کاوش‌نامه، سال یازدهم، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۸۹، هدف مقاله تشریح ساختارهای گوناگون تمثیلی و بررسی کارکرد و نوع تمثیل است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تمثیل را از منظر صورت و محتوا و با در نظر داشتن همه انواع آن در شعر و نثر و با نگرشی جامع‌تر و دقیق‌تر تقسیم‌بندی نموده است.

ولی با موضوع پژوهش حاضر در آثار یارعلی پورمقدم هیچ‌گونه پژوهشی انجام نشده است. مطالعه حاضر به تحلیل و بررسی تمثیل در داستان «گنه‌گنه‌های زرد» با تشریح نمونه‌هایی از متن داستان پرداخته است.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱ تعریف تمثیل و انواع آن

«تمثیل» در لغت‌نامه دهخدا به معنای مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیزی آمده است و در اصطلاح به دو صورت خاص و عام معنا دارد: در معنای عام مترادف با تشبیه است و در معنای خاص بعنوان (تشبیه تمثیل، استعاره تمثیلیه و داستان تمثیلی) کاربرد دارد، همچنین تمثیل ارائه اندیشه یا واقعه‌ای است که هم در ظاهر خود را نشان دهد و هم چیز دیگری را در لایه درونی بیان می‌نماید، به عبارتی «تمثیل یک مفهوم آشکار دارد و یک یا چند مفهوم پنهان، در تمثیل نامحسوس به شکل و

کیفیت محسوس ارائه می‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۷) شخصیت‌های تمثیلی، تصویرکننده خوبی و شر هستند و غلبه شر بر نیکی را مجسم می‌کنند «تمثیل یک نوع تصویر انگاری است که در آن مفاهیم و اندیشه‌های اخلاقی معلوم به‌طور عمد منتقل به اشخاص، اشیاء و حوادث دیگر شده است» (گرام، ۱۳۶۵: ۱۳۱) بنابراین شخصیت‌ها تمثیلی دویعدی هستند، ابتدا بعد فکر و خصلتی که مورد نظر نویسنده یا گوینده بوده است و ثانیاً بعدی که در آن مجسم می‌شود با هنرنمایی و جلوه‌هایی از رمز، مقصود را به شیوه‌ای دیگر بیان می‌کند. در تمثیل اغلب قصد تعلیم به روشنی وجود دارد و اما نتیجه اخلاقی یا روح تمثیل در آغاز یا پایان اثر به طور جداگانه یا در ضمن حکایات بیان شود و موضوع تعلیم نیز هرچه باشد به همان نحو در آغاز یا آخر یا در ضمن تمثیل به نحوی بیان و یا در کل اجزای تمثیل تبیین می‌گردد.» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۲)

زبان تمثیل مناسب‌ترین شیوه‌ای است که با آن می‌توان معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای سایرین تبیین و تشریح کرد؛ زیرا تصویر دگرگونه معناهاست که گاه کاربرد توصیفی و گاه علمی و گاه تمثیلی می‌یابد. تمثیل را می‌توان از منظر صوری و محتوایی به دو قسمت تقسیم نمود که در ذیل به انواع آن اشاره‌ای مختصر می‌شود.

### ۱-۱-۲ انواع تمثیل از لحاظ صوری

**مثل:** قولی کوتاه و مشهور که «شکل نصیحت‌آموزی از ادبیات عامیانه است و محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی که غالباً صورت فشرده‌ی یک داستان است» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۱۵-۱۱۳)

**اسلوب معادله:** اسلوب معادله پیتی است که شاعر در یک مصرع آن اندیشه یا مفهومی ذهنی خود را بیان می‌کند و سپس معادلی برای آن ادعای ذهنی خود در مصرع دوم مثالی از اشیاء و طبیعت می‌آورد، بعبارتی «شاعر در مصرع اول چیزی می‌گوید و در مصرع دوم مطلبی دیگر، اما از رهگذر شباهت دو سوی معادله قابل تبدیل به یکدیگرند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴)

**حکایت حیوانات (فابل):** حکایتی کوتاه و آموزنده که شخصیت‌های آن حیواناتی با سرشت انسانی هستند «این نوع تمثیل را در زبان اروپایی «فابل» می‌نامند و هدف از این‌گونه تمثیل‌ها بیان یک اصل اخلاقی است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

**حکایت انسانی (پارا بل):** حکایات انسانی در ادبیات اروپاییان به پارابل معروف هستند، به عبارتی «حکایتی کوتاه حاوی نکته‌ای اخلاقی با شخصیت‌های انسانی پارابل نامیده می‌شود، مانند: حکایت بوستان و گلستان» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۸۹، تقوی، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۴)

## ۲-۱-۲ انواع تمثیل از نظر محتوا

**تمثیل اخلاقی:** در این نوع تمثیل درون‌مایه قصه به روشنی بر تصویر غلبه دارد. «روایت داستانی این نوع تمثیل بسیار ساده و درک آن زود یاب و آسان است؛ مانند بوستان و گلستان سعدی و کلیله و دمنه نمونه‌هایی از این نوع تمثیل هستند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴)

**تمثیل سیاسی و تاریخی:** در محتوای این نوع تمثیل «اشخاص، اعمال و رویدادهای قصه که به جای آدم‌های واقعی و رخداد‌های تاریخی نشسته و بازگوکننده حوادث و رویدادهای تاریخی‌اند، همانند برخی از حکایات انتقادی اجتماعی در مثنوی‌های عطار، مزرعه حیوانات جورج اورول (تمثیلی است هجوآمیز از جامعه سوسیالیستی شوروی) را می‌توان از این نوع شمرد.» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۷۶)

**تمثیل اندیشه:** این‌گونه تمثیل «روایت نماینده یک نوع آگاهی ذهنی است و پیرنگ قصه چنان طراحی شده که نظریه یا اندیشه گوینده را بیان می‌کند و آن را به خواننده منتقل می‌نماید. صورت روایت عیناً با اندیشه اصلی منطبق و قابل قیاس است.» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۲۵) در آثار عرفانی فارسی مانند مثنوی‌های سنایی غزنوی، عطار نیشابوری و مولانا نمونه‌هایی عالی از این دست آمده است.

**تمثیل رمزی:** تمثیل رمزی حکایتی است که در آن غرض اصلی گوینده مبهم است و ایده پنهان او در تمثیل به سادگی به ذهن نمی‌آید در واقع موضوعی رمزآلود در قالب حکایتی ساختگی ارائه می‌شود. «وقتی قرینه‌های راهنمای قصه حذف می‌شود و پیوند میان صورت و محتوا چنان دور و دشوار می‌شود که کشف آن جز با آگاهی از سبک و اندیشه و جهان‌نگری گوینده ممکن نیست؛ مانند منطق الطیر عطار، داستان‌های سهروردی» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۷۶)

**تمثیل رؤیا:** روایتی تمثیلی است که «روای در عالم خواب، سفری روحانی را آغاز می‌کند و پس بیداری آن را برای دیگران روایت می‌کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸، ۳۹۷-۴۰۶)

## ۲-۲ اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران (دوره جنگ جهانی دوم)

ایران در شهریورماه ۱۳۲۰ شاهد اتفاقات و رویدادهای مهمی هم‌چون: ۱- تجاوز قوای متفقین (شوروی و انگلیس) به خاک ایران ۲- استعفای رضاشاه از سلطنت ۳- روی کار آمدن محمدرضا

پهلوی بود. در دوره حکومت رضاخان پس از آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸ (۱ سپتامبر ۱۹۳۹) ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد اما پس از آغاز تهاجم آلمان به شوروی به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی این بی‌طرفی ناپایدار بود و نیروهای متفقین به بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران این کشور را اشغال کردند و در سوم شهریور ۱۳۲۰ ش. ایران نیز اسیر جنگ جهانی دوم شد «رضاخان در آن دوره به شدت به آلمانی‌ها نزدیک شد و آنها را در بحث نژادپرستی و همچنین کشتار مردم همراهی کرد. در آن موقع کشور از شمال و جنوب توسط نیروهای متفقین اشغال شده، رضاخان ناگزیر سلطنت را به فرزندش محمدرضا واگذار کرد، پس از فروپاشی سلطنت رضاخان، رقابت میان دو کشور انگلیس و آمریکا بر سر منافع ایران دوباره بالا گرفت» (رحیمیان، ۱۳۸۰: ۱۴۷). در این زمان مردمی که قریب به بیست سال در خفقان دوران پهلوی روزگار گذرانده بودند، احساس آزادی کرده و شرایط برای صحبت بر سر تمام اتفاقات گذشته برای آنها فراهم گردید. «در آن دوره افسران و سربازان وظیفه همچنین رؤسای قبایل (که امید به روزهای بهتر را از دست داده بودند) از حکومت پلیسی در تهران گریخته، هر گروه به شهر و روستا و افراد ایل خود می‌پیوستند. رهبران مذهبی از کنج خانه‌ها و حوزه‌ها بیرون آمده برای تشجیع مردم بر بالای منبر رفتند، سیاست‌مداران وطن‌پرست دوباره به صحنه بازگشتند و روشنفکران جوان با اشتیاق به سیاست رو کردند، روزنامه‌ها منتشر شد، اعلامیه‌ها نوشتند و برای ساختن ایران جدید، احزاب سیاسی تشکیل دادند. و کم‌کم دوران سانسور و سکوت به پایان رسید.» (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۵۳-۱۵۲)

نویسنده داستان (گنه‌های زرد) در دوره‌های بعد خود را ملزم می‌داند تا هنر خود را وسیله‌ای برای بیان معضلات و مشکلات جامعه آن دوره در آورد.

### ۲-۳ معرفی نویسنده

در این پژوهش داستان «گنه‌های زرد» از مجموعه داستان گنه‌های زرد اثر یارعلی پورمقدم مورد بررسی قرار می‌گیرد. یارعلی پورمقدم متولد ۱۳۳۰ در شهرستان مسجد سلیمان است. کار ادبی را در سال‌های دهه ۵۰ و با چاپ نمایشنامه آه اسفندیار مغموم آغاز کرد، سپس کتاب آینه- مینا -آینه (۱۳۵۶)، ای داغم سی رویین‌تن (۱۳۶۷) گنه‌های زرد را (۱۳۶۹) چاپ کرد. پورمقدم به شیوه خود می‌نویسد او یک داستان بلند را در چند قالب هنری (خاطره- نمایشنامه- داستان) می‌ریزد تا خواننده تصور کند ارتباط ارگانیکی باهم دارند و یا جدا جدا می‌نویسد تا بگوید به هم مرتبط نیستند که در این صورت شخصیت‌ها تک‌بعدی‌اند به هر حال هر پازلی در هر قالب داستان



ویژگی منحصر به خود را دارد. در هر دو وجه «تک‌صدا» هایی شنیده می‌شود که صدای راوی در متن، شاخص شده، در ذهن باقی می‌ماند. به تعبیری پوره‌مقدم به طور ضمنی و البته ذهنی در داستان هم «نمایش» را تصور می‌کند. از این رهگذر خواننده با مضمونی چند منظوره روبه‌رو است.

#### ۴-۲ بحث و بررسی داستان تمثیلی «گنه‌گنه‌های زرد»

##### ۱- ۴-۲ خلاصه داستان گنه‌گنه‌های زرد

این داستان از زاویه دید نمایشی، روایت عینی روایت می‌شود. نویسنده از صحنه داستان غایب است، هیچ توضیح و اظهارنظری که بیانگر ذهنیت نویسنده باشد وجود ندارد راوی همانند دوربین فیلم‌برداری اعمال، رفتار و گفتگوی شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد. داستان در بازه زمانی (شهریور ۱۳۲۰) به شرح حال سه سرباز که در یکی از پادگان‌های شهر اهواز خدمت می‌کنند، بدین شرح پرداخته شده است.

بعد از ظهر تابستان ۱۳۲۰ سه سرباز به نام سرجوخه، گرگعلی و خلیفه با لباس نظامی زرد رنگ و با یک برگ مأموریت و با نفری ده تومان حق الفرسخ که ستاد هنگ برای آن‌ها در نظر گرفته بود بدون وسیله سفر حرکت می‌کنند. مأموریت آن‌ها آوردن سربازهای ذخیره دشتستان از بوشهر به پادگان اهواز می‌باشد. آن‌ها در مسیر سفر باج‌گیری می‌کردند، دادگاه صحرائی تشکیل می‌دادند و ترس و وحشت برای اهالی روستاها ایجاد می‌کردند. در روزهای پایانی سفر بیماری مزمن گرگعلی بدتر می‌شود و به خاطر بحران روحی مغزش را با یک گلوله متلاشی می‌کند. سرانجام سرجوخه و خلیفه بعد از پشت سر گذاشتن روزهای پرفراز و نشیب به میدان‌گاه بوشهر می‌رسند و صدای الکنی را می‌شنوند که می‌گفت: ... هم‌اکنون به قوای نظامی دستور داده می‌شود که از هرگونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند... خلیفه قبل از حرکت گفته بود دارند به بیگاری می‌روند آن‌جا هرکدام از آن‌ها به راه خود رفتند خلیفه از داغ این نقره‌داغ تصمیم نداشت دوباره این راه را برگردد، آن‌ها قبل از جدا شدن به پیاله فروشی می‌روند و داستان در همین‌جا به شکلی مبهم به پایان می‌رسد.

##### ۲- ۴-۲ تحلیل و بررسی داستان

داستان گنه‌گنه‌های زرد، داستان تمثیلی سیاسی، تاریخی و اجتماعی است. زمان داستان از اول تا ششم شهریور ۱۳۲۰ و مکان داستان از اهواز تا بوشهر است. پوره‌مقدم در این داستان با نگاه تمثیلی، سرنوشت سه سرباز نظامی را روایت می‌کند مأموریت به بوشهر با تمام سختی‌ها برای آن‌ها حکم

منفعت‌طلبی و ترفیع رتبه را دارد. آن‌ها بعد از رهایی از پادگان در طول سفر با استفاده از فرم نظامی و ایجاد رعب و وحشت به دنبال منافع و باج‌گیری از مردم بودند. از نظر اجتماعی و تاریخی جامعه شهریور ۱۳۲۰ را به نمایش می‌گذارد. به طوری که «استبداد بیست‌ساله فروریخته و مردم آزاد شده‌اند؛ اما این آزادی نیست. هرج و مرج است. زیرا افراد یک‌دیگر را به دزدی و خیانت متهم می‌کنند و در گرفتن تصمیمات درست ناتوان‌اند.» (دستغیب، ۱۳۷۸: ۴۱)

### ۲-۱-۲-۴-۲ استبداد و دیکتاتوری

در صورت داستان‌های تمثیلی اشخاص، اعمال و رویدادها به جای آدم‌های واقعی و تاریخی و رخدادها نشسته‌اند، بازگوکننده حوادث و جریان‌های تاریخ‌اند. در داستان گنه‌گنه‌های زرد نویسنده، با نگاه تمثیلی، در لایه اول داستان با بازگو کردن یک جریان تاریخی با کمک سه شخصیت نظامی سرجوخه، گرگعلی و خلیفه به دنبال معنای ثانویه و تأثیرات اجتماعی آن از جمله؛ استبداد، استعمار و تجاوز در زیر ساخت این داستان تمثیلی تاریخی، سیاسی و اجتماعی در جهت روشنگری مخاطب است.

«سرباز: چرا پا می‌کوبی تو پام سرجوخه؟ خلیفه: نقل بیگاریه، سرلشکر؟ سرجوخه: انگار حرف مأموریته ولی آگه زد و نقل بیگاری اومد وسط، بپاه در نره. خلیفه: آگه آخرش در نرفتم، هر چی دلت خواست بگو. سرجوخه: آگه گردنتو نشکوندم، خودم با دست خودم پاگونمو توقیف می‌کنم.» (پورمقدم، ۱۳۶۹: ۶۳)

در صورت و روساخت داستان گنه‌گنه‌های زرد، سه سرباز نظامی قصه را پیش می‌برند در واقع این سه سرباز در یک نظم مجازی معنای پنهان را شکل می‌دهند که همان روح تمثیل است؛ و حضور این افراد در داستان، تمثیلی سیاسی از استعمار هسته نظامی متفقین منفعت‌طلب، اشغالگر، متجاوز و مستبد در جنگ جهانی دوم به ایران و مناطق جنوب است.

«افسر: قشون در حالت آماده‌باش. سرجوخه: یعنی سرباز حق نداره شوره کلاشو بشوره، قربان؟ افسر: گرچه، توی این معامله سرهمه‌مون بی‌کلاهه و همون‌طور که همه‌تون می‌دونین، با این‌که ایران بی‌طرفی شو اعلام کرده ولی چرچیل از ما راه خواسته تا واسه استالین قشون بفرسته و چون بار قشون مهماته و باروت بوی اشغال می‌ده، دولت به سربازهای احتیاطش حکم کرده که هرکی از هر هنگی منقضی شده، برگرده همون‌جا، خودشو معرفی کنه.» (همان: ۶۵)

تمثیل سیاسی و تاریخی از نوع محتوایی تمثیل است و در این داستان نویسنده با نگاه تمثیلی از لحاظ تاریخی به اشغال و سرکوب‌گری و حضور نیروهای نظامی متفقین به جنوب ایران اشاره دارد. «سرجوخه: داشتن می‌گفتین که چرچیل می‌خواد واسه استالین سیگار برگاشو بفرسته. افسر: شاید به خاطر همین خوشمزگیاست که ستاد هنگ می‌خواد به تو و دو سرباز، نفری ده تومن حق‌الفرسخ بده که برین سربازهای ذخیره دشتستون بیارین اهواز، سرجوخه!» (همان: ۶۶)

در لایه بیرونی و روساخت قصه نویسنده، شخصیت گرگعلی را از نظر ظاهری (کوتوله و چاق) و از نظر شخصیتی (توطئه‌چین و تفرقه‌افکن) به چرچیل ربط داده است او با استفاده از این مشابهت ظاهری و شخصیتی در داستان به صورت تمثیلی در زیرساخت و لایه درونی قصه به دنبال نشان دادن اتفاق تاریخی در پس یک توطئه‌چینی است زیرا چرچیل در زمان حمله متفقین به ایران نخست‌وزیر بریتانیا بود و با توطئه او آلمان به روسیه حمله کرد و با قرار گرفتن انگلیس و آمریکا پشت روسیه باعث جنگ جهانی دوم شد و همچنین شخصیت خلیفه در روساخت داستان از نظر ظاهری (سبیل استالینی و غول بیابونی) به استالین ربط داده شده است او سیاستمدار کمونیست و رهبر شوروی در زمان حمله متفقین به ایران بود؛ و در زیر ساخت قصه خلیفه نقشه‌های گرگعلی را جامه عمل می‌پوشاند و تصمیم‌های او را عملی می‌کند. به نظر می‌رسد نویسنده سرباز گرگعلی و خلیفه را در این داستان با توجه به تمثیل تاریخی و سیاسی از نظر ایفای نقش به چرچیل و استالین ربط داده است.

«سرجوخه: تا ستوان نیومده، هر کی کلاه این کوتوله‌رو برداشته، بده بوازه سرش. سرباز: آگه تابه‌حال متفقین نفر پیاده نکرده‌ان، از ترس همین نیم‌وجبی بوده، خدا می‌دونه. خلیفه: هر کی شک داره بره از چرچیل بپرسه. گرگعلی: یه بار دیگه بخوای بین من و چرچیل نرخ معین کنی، اون سبیل استالینی تو خشک خشک می‌تراشم، غول بیابونی.» (همان: ۶۴)

فضای استبدادی و خفقان در پادگان برای نظامیان زمینه‌ساز عارضه‌های روحی و روانی و انواع تنش‌ها است که سبب بروز انواع بزه‌کاری، بی‌عدالتی و فساد می‌شود. آسیب‌های روحی و روانی نظامیان از جمله؛ گرگعلی ماهیت تمثیل اجتماعی از فضای منجرکننده پادگان با قوانین استبدادی است.

«سرجوخه: دهنتو نیار بیخ گوشم بوی سیر می‌دی. گرگعلی: حرف مأموریت بود خودم چاکرتم. سرجوخه: تو باز دنبال یه مفت باز می‌گردی؟ گرگعلی: یه نفره مظفر شاهی کف دستمه که می‌خوام بزمنش به زخم دلم؛ دارم خل می‌شم شیر مادرم.» (همان: ۶۴)

از آنجایی که ویژگی داستان تمثیلی دولایگی بودن آن است در لایه بیرونی روایت سرباز سرجوخه برای ترفیع رتبه به مأموریت رفته است اما هدف نویسنده به لایه درونی قصه است که سرجوخه

تمثیلی از یک فرمانده نظامی ظالم و اشغالگر از نوع تمثیل سیاسی است. سرجوخه و گرگعلی با توجه به آسیب‌های روحی و روانی که دارند در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیرند ترس، رعب و وحشت را به حد اعلائی خود می‌رسانند. برای باج‌گیری از تنباکوکار آبادی چاه سفید دادگاه صحرائی تشکیل می‌دهند. دادگاه صحرائی تمثیلی اجتماعی از استبداد، زور و جبر حاکم در جامعه است. بیماری طاعون در داستان تمثیلی سیاسی و تاریخی از حضور نیروهای متفقین در جنوب است آبادی چاه سفید از جمله مناطق نفت‌خیز جنوب بود که نیروهای نظامی انگلیس به خاطر امتیاز نفت جنوب آن مناطق را اشغال کردند و از لحاظ زمان اتفاق داستان غروب سوم شهریور ۱۳۲۰ سه سرباز که تمثیلی سیاسی تاریخی از نیروهای متفقین است آبادی را تصرف می‌کنند. مردم آبادی چاه سفید از ترس آن‌ها پنهان می‌شوند سکوت آبادی را فرامی‌گیرد وجود سکوت و ترس تمثیلی سیاسی اجتماعی ناشی از حضور نیروهای بیگانه در منطقه است. در آبادی فقط عوعوی سگ‌ها شنیده می‌شود. عوعو کردن سگ‌ها بر اساس باورهای عامیانه و قدیمی نیز تعبیرهای خاص داشته است مثلاً عوعو کردن سگ هنگام اذان حاوی یک پیام یا پیشامد است. در این جا می‌تواند تمثیلی سیاسی و تاریخی از حضور سه سرباز نظامی در آبادی چاه سفید باشد.

سرجوخه: رسیدیم ده سوخته رختها عروس ندوخته. گرگعلی: انگار فقط سگ‌هاشون از دست طاعون جون سالم بدر برده ان! خلیفه: الان از هر سوراخی، دو تا چشم زل زده به ما. سرجوخه: حالا حقیقه بزرگ این آبادی بره بیخ دیوار، سمک عیار؟

خلیفه: انتظار داری پیش پات میش سر بیرن؟ گرگعلی: می‌گم نکنه نقشه مقشه‌ای برامون کشیده باشن. سرجوخه: آگه اشکشونو در نیارم پس از سگ‌هاشون کمترم. (همان: ۸۹)

و نویسنده با استفاد از قالب تمثیل برای این روایت تاریخی از تمثیل سیاسی و اجتماعی برای نشان دادن هرج مرج‌های ایجاد شده در شهریور ۱۳۲۰ استفاده کرده است. سرجوخه که تمثیلی سیاسی از یک نظامی خودکامه و زورگو است از شرایط ایجاد شده استفاده می‌کند و به تنباکوکار آبادی تهمت دزدی و احتکار می‌زند و برای او دادگاه صحرائی تشکیل می‌دهد. دادگاه صحرائی هم تمثیل سیاسی و اجتماعی از جامعه‌ای است که در آن هرج و مرج حاکم است هرکسی به میل خود حکم بدون دفاع صادر می‌کند.

## ۲-۲-۴-۲ استعمار

«سرجوخه: گروهبان؟ گرگعلی: سرکار ستوان. سرجوخه: محترک امشب توی آغوش بازداشته. صاحبخانه: سر نیم جوال تنباکو؟ سرجوخه: تا فردا که تحت الحفظ، تحویل دادگاه صحرایی می‌دیش، مسئولیتش با خودته. صاحبخانه: چرا هر جا پا می‌زارین، دنیا رو تاریک می‌کنین نریال قوم لوط؟ سرجوخه: بی‌احترامی به آدم دولت و اون هم موقع انجام وظیفه؟» (همان: ۹۱)

زور و جبر از فاکتورهای استبداد و استعمار است در داستان گنه‌گنه‌های زرد شخصیت‌های سرجوخه، گرگعلی و خلیفه با سوء استفاده از فرم نظامی وارد حریم خصوصی مردم آبادی می‌شوند این تمثیلی سیاسی و تاریخی از جبر و دیکتاتوری نیروهای نظامی متفقین در منطقه است و هم‌چنین تمثیلی اجتماعی و سیاسی از استعمار نیروهای متجاوز نظامی متفقین که منجر به هرج و مرج در جامعه و تعرض به حریم خصوصی مردم شده است.

«صاحبخانه: چه خطا شده، لقد می‌زنی به در، صاحب منصب؟ سرجوخه: باز بارک الله به سگ‌هاتون که یه پارسی کردند و گرنه آدم خوف برش می‌داشت که نکنه دنیا به تصرف متفقین در اومده و ما بی‌خبریم. صاحبخانه: مهمون عزیز خداست ولی نخوشه که پاشنه در صاحب‌خونه رو از جا در بیاره. سرجوخه زبونتو با همین سر نیزه، قیمة قرمه می‌کنم، گردن کلفت. صاحبخانه: رخت زرد پوشیده‌ای که حکم نامربوط بدی، امنیه.» (همان: ۹۰)

از آنجایی که اسلحه استبداد تهدید، زور و جبر است گرگعلی با تهدید به کشت و کشتار مردم آبادی برای بازرسی وارد خانه تنباکوکار می‌شود تنباکوکار آبادی تمثیلی سیاسی و اجتماعی از افراد بی‌گناه و بی‌دفاع منطقه جنوب در زمان اشغال متفقین است مردم منطقه بدون آن‌که بخواهند تاوان منفعت طلبی نیروهای انگلیس را می‌دهند.

«صاحبخانه: کجا داری می‌ری؟ گرگعلی: نگی، مجبوریم خونه‌رو بازرسی کنیم. صاحبخانه: تو اول بگو پی چی می‌گرددی تا... گرگعلی: هر چی هم که هفت خط باشی، باز انگشت کوچیکه مأمور دولت نمی‌شی. صاحبخانه: حکمات کو؟ گرگعلی: حکم امنیه تفنگش. سرجوخه: می‌خوای همین دم غروبی، شیون آبادی رو بذارم بالای سرت؟» (همان: ۹۰)

یکی از مؤلفه‌های استبداد، تک‌گویی است که مثالی از جامعه استبدادی است که افراد در آن نابرابرند و هر دو سوی رابطه بی‌اعتنا به دیگری فقط حرف خود را می‌زنند. در داستان گنه‌گنه‌های زرد صاحبخانه از آبادی چاه سفید به دستور سرجوخه توسط گرگعلی در آغل زندانی می‌شود او با گرگعلی شروع به

حرف زدن می‌کند ولی کسی صدای اعتراض صاحبخانه را نمی‌شنود. تک‌گویی درونی صاحبخانه تمثیلی سیاسی و اجتماعی از جامعه استبدادی است.

«صاحبخانه چرا شخص باید جلو زن و زنبیل، خفیف بشه؟ گرگعلی: فردا ابد بخوری، برو به دست بادیه مس نذر به امامزاده کن. صاحبخانه: به تنباکو کار، سر به من تنباکو بیفته به غل و آغل، خیلی حرفه. گرگعلی: بدبختیت آینه که گیر صحرائیش افتادی و گرنه... صاحبخانه: چه فرقی ما بین دادگاه صحرائی با دادگاه عادی؟ گرگعلی: فرقی با دادگاه عادی آینه که یک: خرج عریضه‌نویسی نداری؛ دو: مستقیم می‌ری سینه‌کش دیوار.» (همان: ۹۴-۹۵)

صاحبخانه تمثیل اجتماعی از یک جنوبی وطن‌پرست است که آشیانه خود را ترک نمی‌کند حتی اگر توسط بیگانگان اشغال شده باشد و حاکمانی ظالم آن‌جا حکومت کنند او تا نابودی اشغالگران و ترک کردن سرزمینش مقاومت می‌کند.

«صاحبخانه: فرار کنم برم کجا؟ مگه سر بریده پیشم جسته‌اید، قوم ظالم؟ گرگعلی: خلاصه هر وصیت مصیتی داری، رد کن بیاد! صاحبخانه: مصیت؟ گرگعلی: دوست نداری، وصیت کن. صاحبخانه: از این دار و ندارم، به خرجی بزار و باقی شو بردار. گرگعلی: نکنه خیال می‌کنی، دادگاه صحرائی برگ چغندر که همه‌اش پنج تومن را رو می‌کنی؟» (همان: ۸۵)

در جای از داستان پورمقدم توده جامعه ناامید را نشان می‌دهد که تمثیل اجتماعی و سیاسی از استعمار و جامعه اشغال شده است. مردم برای ترس از تغییر و گرفتاری و از دست دادن دارایی و زندگی سکوت اختیار می‌کنند. سکوت تمثیلی سیاسی از جامعه استبدادی است که در آن به علت خفقان و ترس شدید از حاکم کسی را یارای اعتراض و مخالفت نیست. هرج و مرج و بی‌عدالتی زیاد است. در نتیجه بی‌عدالتی تمثیلی سیاسی و اجتماعی از حاکمان فاسد است که دچار عیاشی هستند و اراده‌ای از خود برای تصمیم‌گیری ندارند.

«سرجوخه: تو که داری این راهو می‌ری، پس دیگه برین برینت چیه؟ گرگعلی: آگه به فشنگ اونم خورد تخت سینه‌ات، سر پل صراط، هر جا نشستی نگی تقصیر گرگعلی بود. شوfer: مگه دنیا پرچم نداره که گلنگدن می‌کشی برام؟ گرگعلی: کاری نکن خودم بشینم پشت رل. شوfer: (به سرجوخه) بگو لوله تفنگشو بگیره اونور. سرجوخه: یا الله عیاشها، بپرین بالا و چار چنگولی بچسبین به گونی‌ها.» (همان: ۷۶)

شوfer از زروگویی و اشغال کامیون توسط نظامیان ناراضی است و شوfer تمثیل سیاسی و اجتماعی از مردم ناراضی و استعمارزده است.

«سرجوخه: بشکن! شوفر: برا چی بشکنم؟ سرجوخه: خیال کن سه تا گونی بیشتر بار زده‌ای. شوفر: به زور قنذاق تفنگ سوارت بشن، تو باشی می‌شینی تخمه می‌شکنی؟ خلیفه: ما هم اگر مجبور نبودیم خودمونو برسونیم بوشهر... شوفر: مگه هر کی مجبوره، حق داره راهبندون کنه؟» (همان: ۷۸)

### ۳-۲-۴ آسیب‌های اجتماعی

زورگویی، چپاول و غارت اموال مردم و وجود هرج و مرج در جامعه نوعی تمثیل سیاسی و اجتماعی از استبداد متفقین می‌باشد تهمت و افتراء و توطئه‌چینی نظامیان علیه مردم آبادی نوعی تمثیل اجتماعی از سرکوب و منافع طلبی و استعمار متفقین است آن‌ها با حضور در مناطق جنوب و بهم زدن نظم زندگی مردم ساده و بی‌آلایش تنها به فکر منافع و امتیازهای خود بودند.

«سرجوخه: دیشب چقد تیغت برید؟ گرگعلی: چهارتومانی شد. سرجوخه: کاک بزنی پوستت رو می‌کنم. گرگعلی: ما رو بگو با این حال خراب، واسه کی داریم جون می‌کنیم! سرجوخه: اینقد جلوی مردم، دست توی دماغ نکن. گرگعلی: چار را چطور بخش بر سه کنیم، سرجوخه؟ خلیفه: پایمنو نکش وسط، کار چاق کن!» (همان: ۱۰۲)

قهوه‌چی در داستان تمثیل اجتماعی از مردم منطقه با اعتقاد و باورهای سنتی است. دارای کسب و کار است. او روبه‌روی پادگان نظامی قهوه‌خانه دارد افراد خلاف هم به آن مکان رفت و آمد دارند افراد خلاف تمثیلی اجتماعی از هرج و مرج و خلاف در جامعه است خلاف‌ها در مقابل پادگان نظامی اتفاق می‌افتد از طرفی نظامیان تازه وارد با استفاده از آن و با کمک توطئه گرگعلی از قهوه‌چی باج‌گیری می‌کنند باج‌گیری تمثیل سیاسی اجتماعی از فساد و استبداد در سیستم نظامی و هرج و مرج در مناطق جنوب است.

«قهوه‌چی: قدم به چشم بفرمایید بالا. سرجوخه: اول سه تا تازه دم تا بعد بریم سر اصل مطلب. قهوه‌چی: ای قریون پاگونت، ای به چشم. گرگعلی: بالا بره پایین بیاد، منقل می‌زاره. سرجوخه: می‌تونی هوایی مون نکنی؟ گرگعلی لب‌تر کنی داغ و دایرش می‌کنم. سرجوخه: تو از این عرضه‌ها نداری.» (همان: ۸۱)

فساد، اعتیاد، اخازی در سیستم نظامی و جامعه ناامن به صورت تمثیل اجتماعی ناشی از وجود حاکمان فاسد در جامعه است.

«قهوه‌چی: چه نامعقولی سر زده به قربونت؟ گرگعلی: اولاً، از لوح بهایی که طبق مقررات باید جلوی چشم مشتری نصب باشه، خبری نیست، این از اولندش... چاییت رنگ تف امواته، می‌گیم به دومندشم

کاری نداریم... با اون چهار ستون کجت، چرا دیگه جلوی مأمور دولت چرت مرغوب می‌زنی، مرد ناحسایی؟» (همان: ۸۳)

در داستان «گنه‌های زرد» شخصیت گرگعلی که تمثیل سیاسی، اجتماعی و تاریخی از استبداد، دیکتاتوری و استعمار است دچار بحران روحی می‌شود قبل از رسیدن به بوشهر خودکشی می‌کند نتیجه آسیب‌های روحی و روانی باعث به وجود آمدن افراد ظالم، با احساس‌های متفاوت از جمله بی‌گاری و خودکشی است و این آسیب‌هایی اجتماعی و سیاسی به صورت تمثیلی ناشی از استبداد، استعمار، فقر عاطفی و فرهنگی در جامعه است.

«خلیفه: قبل از این‌که راه بیفتیم، نگفتم داریم می‌ریم بیگاری؟ سرجوخه: تو کی به همچی حرفی زدی، حقه‌باز؟ خلیفه: ولی از این‌جا دیگه هر کی سی خودش. سرجوخه: دیگه وقتشه که بزیم گردنتو خرد کنم. خلیفه: حاضر مثل ترکه بزارم بشکنیم ولی حاضر نیستم این راهو دوباره برگردم. سرجوخه: از ترس ماه بگم؟ خلیفه: از داغ این نقره داغ.» (همان: ۱۳۸)

### نتیجه‌گیری

نویسندگان به دلایل مختلفی، عقاید و اندیشه‌های ذهنی خود را در قالب تمثیل بیان می‌کنند که از مهم‌ترین دلایل آن، استبداد و خفقان اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه است. در این شرایط وقتی حکومت‌های خودکامه در حوزه ادبیات فضا را بسته و سانسور می‌نمایند در نتیجه نویسندگان تلاش می‌کنند وضعیت نابسامان و آشفته جامعه وقت خود را با نوشتن داستان‌های رمزی و تمثیلی، انعکاس دهند. از آنجایی که در ژرف ساخت داستان‌های کوتاه تمثیلی معاصر، درون‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی موجود است داستان «گنه‌های زرد» اثر یارعلی پورمقدم از نوع محتوایی تمثیل و دارای تمثیل سیاسی، اجتماعی و تاریخی است که به جنگ جهانی دوم اعلام بی‌طرفی ایران و حمله متفقین به ایران اشاره دارد. نویسنده از حضور نیروهای هسته نظامی متفین (آمریکا، روسیه و انگلیس) در ایران و مناطق جنوب استفاده کرده است و با ترسیم مثلث استعمار (سه سرباز) در لباس نظامی نگاه تمثیلی سیاسی، تاریخی و اجتماعی به استبداد، استعمار و با بازتاب آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن که از لحاظ روحی و روانی اثرات منفی بر اندیشه، امنیت و آرامش افراد جامعه می‌گذارد توانسته است با استفاده از تمثیل انتقادی در جهت روشنگری مخاطب موفق عمل کند. زیرا نویسنده، در پوشش یک داستان تمثیلی انتقادی، با تصویری از کنش‌ها، رفتارها، روابط و مناسبات اجتماعی، تاریخی و سیاسی توانسته است سرنوشت انسان‌های جامعه ایران آن دوره را به‌خوبی برای مخاطب به نمایش درآورد و



هم‌چنین با تمثیل‌های انتقادی با رویکرد سیاسی کنش‌ها و رفتارهای استبدادی، دیکتاتوری و استعمار که منجر به آسیب‌های اجتماعی می‌شود به تصویر کشیده است در نتیجه حوادث داستان «گنه‌گنه‌های زرد» بازتاب جامعه اشغال شده ایران در زمان نویسنده است.

### منابع:

- ۱- آبراهامیان، یراوند، (۱۳۷۹)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
  - ۲- امامی، صابر، (۱۳۸۱)، نماد و تمثیل تفاوت‌ها و شباهت‌ها، کتاب ماه هنر.
  - ۳- براهنی، رضا، (۱۳۶۳)، قصه نویسی، تهران: نشر نو.
  - ۴- پارسانسب، محمد، (۱۳۸۹)، داستان‌های تمثیلی و رمزی فارسی، تهران: نشر چشمه.
  - ۵- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
  - ۶- پورمقدم، یارعلی، (۱۳۶۹)، گنه‌گنه‌های زرد، تهران: نشر نی.
  - ۷- رحیمیان، هرمز، (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی، تهران: انتشارات سمت.
  - ۸- شوالیه، ژان آلن گریان، (۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، تهران: انتشارات جیحون.
  - ۹- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۸)، آینه‌ای برای صداها، تهران: سخن.
  - ۱۰- .....، (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: چ سوم.
  - ۱۱- قاضی‌مرادی، حسن، (۱۳۸۵)، استبداد در ایران، تهران: اختران.
  - ۱۲- گرام، هوف، (۱۳۶۵)، گفتاری درباره نقد، ترجمه نسرین پروینی، تهران: امیرکبیر.
  - ۱۳- میرصادقی، جمال، (۱۳۷۶)، واژنامه هنر داستان‌نویسی، تهران: کتاب مهناز.
  - ۱۴- .....، (۱۳۹۴)، عناصر داستان، تهران: نشر سخن.
  - ۱۵- یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۵۹)، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: کتاب پایا.
- چ دوم.